ادامه از صفحه اول

محدودسازی یا ایمن‌سازی؟!

چنانچه امنیت سرمایه‌گذاری ایجاد کرده باشیم و کشورهای اروپایی و آسیایی قوی در کشور سرمایه‌گذاری مشترک داشته باشند، قطعا در معادلات بین‌المللی به مصالح و منافع سرمایه‌های خود در ایران توجه نشان می‌دهند و تنها یا با دوستانی محدود نخواهیم بود. در حوزه سیاست داخلی و امور بین‌الملل؛ گفت‌وگو، تعامل و برقراری قراردادها، مورد توجه دین بوده است؛ مثل قرارداد حدیبیه. ما نیز از گفت‌وگو نهراسیم و به پشتوانه قدرت مردمی و علم و فناوری، در تعارضات داخلی و مبارزات خارجی، منافع خود را با رایزنی‌های حقوقی و با قدرت چانه‌زنی گروهی تأمین کنیم؛ در آن صورت از بسیاری آسیب‌ها پیشگیری کرده و از گزند آنها در امان خواهیم بود، اسباب پیشرفت بیشتر هم فراهم می‌شود. راهبرد ایمن‌سازی مقدم بر محدودسازی است و محدودسازی باید رفتاری عارضی قلمداد شود. همان‌طور که به قول شهید مطهری امر به معروف بر نهی از منکر مقدم است. نمی‌شود نهی از منکر و برخورد قهری کرد اما جایگزین درست را ارائه نکرد. اگر چگونه‌بودن جا بیفتد، چگونه‌نبودن نیز جا خواهد افتاد، اما با چگونه‌نبودن، لزوما چگونه‌بودن جا نمی‌افتد. در سلامت جسمی نیز، بهداشت مقدم بر درمان است، در ابتدا نباید اجازه نفوذ ویروس یا میکروب را داد تا اینکه بیمار شویم و سراغ درمان برویم. در مناسبات سیاسی نباید زمینه نزاع و درگیری را حتی‌المقدور فراهم کرد. در حوزه اقتصاد نباید سامانه بازار و سازوکار سالم و نظم موجود و متعادل را بر هم زد. از این رو ایمن‌سازی مقدم بر محدودسازی و رفتارهای قهرآمیز است. حتی در سیاست داخلی اگر مطالبات مردم که از روی نیاز و ضروریات زندگی است، اگر حق انتخاب و کرامت آنها و مانند اینها، پاس داشته شود، به‌قول امام صادق علیه‌السلام، امنیت، عدالت و رفاه تأمین شود، دلیلی بر اعتراض و ناملایمات باقی نمی‌ماند. بهشت بر جهنم، مهربانی بر غضب، آرامش بر ناآرامی و صلح بر جنگ غلبه و چیرگی دارد. پس از جنگ صفین و در جنگ با خوارج حضرت علی(ع) هشت‌هزار نفر از ۱۲ هزار نفر را با گفت‌وگو از جنگ با خود منصرف کردند. ایمن‌سازی در مقایسه با محدودسازی، راهبردی اصلی در مسیر زندگی اجتماعی است؛ همان‌طور که تقوا اصل است، نه پرهیزکاری و دوری‌گزینی که گاه سبب رهبانیت می‌شود. البته پرهیز از محیط آلوده به معاصی، از الزامات پاک‌ماندن است؛ اما پاک‌ماندن غیر از دورماندن از آلودگی است. مثل آن است که می‌خواهیم آهن سالم بماند و نپوسد، آن را از رطوبت دور نگه می‌داریم، این دورنگه‌داشتن هدف نیست، سالم‌ماندن آهن هدف است. هدف از تقوا سلامت نفس انسان است؛ برای آنکه ایمن بماند، خود به فهم خویش و به اختیار از عوامل تخریب فاصله می‌گیرد. در هر صورت عوامل نگه‌دارنده و تقویت‌کننده اصل هستند، نه عوامل دورکننده، تا اگر به‌طور ناخواسته با عوامل فساد مواجه شد، مثل حضرت یوسف علیه‌السلام، بتواند با نیروی درونی از خود حراست کند، نه آنکه با عوامل نظارتی و قهری دور شود و به اتکای دیگری محفوظ ماند. راهبرد ملی در حوزه سیاست، اقتصاد، فرهنگ و نظایر اینها باید بر پایه ایمن‌سازی باشد، نمی‌شود پیوسته بالای سر فرزندمان بنشینیم تا فیلم ناپسند نبیند؛ با رویکرد محدودسازی که این نه و آن آری، تنبیه و مؤاخذه، افراد خوداتکا نمی‌شوند؛ تا خود تغییر نکنیم، نمی‌توانیم دیگران را تغییر دهیم. منشأ تغییر به‌قول سوره رعد آیه ۱۱ «بانفسهم» است. در سیاست داخلی، اگر ایمن‌سازی راهبرد اصلی باشد، مردم خود خواهند فهمید به چه کسانی رأی دهند، نیاز به محدودسازی ندارند؛ اما اگر توسعه‌یافته نباشند و شاقول نداشته باشند و خودکفا در تشخیص حق و باطل نباشند، باید همیشه برایشان تعیین تکلیف کرد و گفت این کار نه و آن کار آری. مردمی وابسته خواهیم داشت و به‌قول شهید مطهری رشید نخواهند شد. در حوزه اقتصاد وقتی ارز ۱۰ درصد نوسان می‌کند و کالاهای ایرانی (نه فقط خارجی) بیشتر از آن نوسان می‌یابند و باید زیر بغل تولید را گرفت و یارانه داد و...، یعنی اقتصاد ایران ایمن نیست؛ با محدودکردن واردات، با تعرفه‌گذاری و گران‌کردن آن، با تزریق پول و کمک‌های پنهان و آشکار به تولید، با وام‌های ارزان، نظارت برای مهار حقوق نجومی و اختلاس، تنبیه و... نمی‌شود اقتصاد تولیدی را اداره کرد. اقتصاد تجاری و در خدمت دیگران می‌شود! اگرچه کمک‌رسانی، محدودسازی و حراست گاه الزامی انکارناپذیر است اما اصل نیستند بلکه فرع بر کارکردها هستند. هرگاه اولویت‌ها را رعایت نکنیم و اصل و فرع را تشخیص ندهیم، با مسائل لاینحل مواجه می‌شویم. باید شرایط سازوکار اصیل را فراهم کرد. اگر فضای کسب‌وکار سالم فراهم شود، فعالان اقتصادی خودشان در آن رشد می‌کنند و می‌توانند رقابت کرده، در برابر کالاهای رقیب مقاومت کنند. محدودسازی سبب تن‌پروری، وابستگی، تنبلی، ناآگاهی و عقب‌ماندگی می‌شود، اما ایمن‌سازی موجب خودسازی، خوداتکایی، کارآفرینی، خلاقیت، فهم و شعور والا، برتری، بالندگی و توسعه‌یافتگی می‌شود.

* دکترای اقتصاد و عضو هیئت‌علمی گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور

پلتفرم‌های کسب و کار اینترنتی نگران آینده‌اند

مخالفان صد درصدی طرح صیانت

شرق: «طرح صیانت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی» از چالش‌برانگیزترین طرح‌هایی است که نمایندگان اصولگرای مجلس یازدهم آن را پیشنهاد داده‌اند؛ طرحی که گفته می‌شود فضای مجازی در کشور را محدود می‌کند و مخالفان زیادی در بین مردم و صاحبان کسب‌وکارهای اینترنتی دارد. به همین دلیل بود که روند طی‌شده برای تصویب این طرح، پیچیده شد؛ ششم مرداد در یک جلسه غیرعلنی، نمایندگان مجلس موافقت کردند براساس اصل ۸۵ قانون اساسی (که اجازه می‌دهد «در موارد ضروری» اختیار وضع بعضی از قوانین به کمیسیون‌های داخلی سپرده شود) این طرح جنجالی در کمیسیون فرهنگی بررسی شود. بر همین اساس، طرح صیانت در مدتی که مجلس تعیین می‌کند بدون نیاز به تصویب در صحن علنی به‌صورت آزمایشی اجرا خواهد شد. بااین‌حال مرکز پژوهش‌های مجلس در چند جلسه از کارشناسان و صاحبان کسب‌وکارهای اینترنتی و پلتفرم‌ها خواست نظرات خود را درخصوص طرح صیانت از فضای مجازی بیان کنند. در این جلسات که با عنوان «جلسات استماع نخبگانی» برگزار شد، کمیل قیدرلو، معاون مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس و رضا تقی‌پور، رئیس کمیسیون مشترک حمایت از حقوق کاربران و خدمات پایه کاربردی فضای مجازی حضور داشتند. همچنین حامد بیدی، مدیرعامل سامانه کارزار و حامد طالبی، دبیر انجمن صنفی کسب‌وکارهای اینترنتی و فروشگاه اینترنتی شهر تهران، به بیان نظرات خود درخصوص این طرح پرداختند. فایل صوتی این جلسه در اختیار «شرق» گذاشته شده است.

ایده و هدف‌گذاری طرح اشتباه است

حامد بیدی در این جلسه درخصوص طرح صیانت از کاربران فضای مجازی گفت: «این طرح، ایده و هدف‌گذاری اشتباهی دارد یعنی مقصدی که می‌خواهد برود جای اشتباهی است. همچنین مسیری که برای رسیدن به آن مقصد تعریف شده و وسیله‌ای که برای رسیدن به آن مقصد قرار است استفاده شود، وسیله اشتباهی است و طراحان این طرح را حتی با همان هدف هم به آن مقصود نمی‌رسانند».

او ادامه داد: «اینکه ایده و هدف‌گذاری طرح اشتباه است، به این دلیل است که طراحان طرح و اعضای محترم کمیسیون اغلب‌شان کاربر حرفه‌ای اینترنت نبودند. نمی‌گویم مطلق ولی اغلب در حوزه‌های سیاسی فعال بودند. احتمالا از این افراد نمی‌بینیم رزومه‌ای وجود داشته باشد که واقعا یوزر حرفه‌ای اینترنت باشند. شاید خیلی از این دوستان حتی با همین ابزارهای مرسومی که شاید یک بچه ۱۴، ۱۵ ساله به‌راحتی با آن کار می‌کند نیز نتوانند راحت کار کنند». بیدی افزود: «اساسا ایده استقلال در حوزه به قول خودشان فضای مجازی (چون من به این عبارت نقد دارم چون حقیقی‌تر از هر فضایی است) امکان‌پذیر نیست. اگر مستقل‌بودن به این معنا است که ما امکان انزوا داشته باشیم و اگر همگان ما را ترک کردند، بتوانیم دوام بیاوریم واقعا در دنیای امروز نمی‌توان چنین بود و چنین چیزی به معنای ازبین‌بردن اینترنت است». او با بیان اینکه اگر ما اسم یک شبکه داخلی را اینترنت بگذاریم نیز اشتباه است، گفت: «کلمه‌ها و عبارت‌هایی مثل اینترنت داخلی، اینترنت بین‌المللی، اینترنت ملی و... همه گمراه‌کننده است. ما یک اینترنت داریم که به‌صورت یکسان پهنای باند بین‌المللی را برای کاربر مهیا می‌کند، بدون هیچ جهت‌گیری یا سوءگیری، هرچیزی غیر از این دیگر اینترنت نیست».

او عنوان کرد: «در نماز جمعه یکی از نمایندگان مجلس گفتند هدف ما این است که سرعت اینترنت را بیشتر کنیم، نه این اینترنت نیست، آن چیزی که می‌خواهند سرعتش بیشتر شود در این طرح هم ذکر شده، شبکه داخلی اطلاعات است که دیگر اسم آن اینترنت نیست، یک اینترانت و یک شبکه داخلی است، دستشان هم درد نکند ولی این را به‌عنوان اینترنت نگذارند. بنابراین ایده استقلال در اینترنت اساسا از معنا تهی‌کردن اینترنت است».

این طرح، تبدیل فرصت به تهدید است

این کارشناس ادامه داد: «نکته دوم اینکه در سرتاسر این طرح موضع انفعالی نسبت به تکنولوژی حاکم است؛ یعنی اساسا این طرح تکنولوژی را یک تهدید می‌داند و حالا می‌گوید ما در مقابل این تهدید چه کار کنیم که کمتر ضربه ببینیم و نگاهشان حاکمیتی است نه مردمی. یعنی بیشتر نگاهش این است که ما از دید حاکمیت چه کار کنیم که استقلال‌مان حفظ شود، امنیت‌مان حفظ شود و اتفاق کمتری برایمان بیفتد، درحالی‌که می‌تواند مثل بقیه کشورهای دنیا به‌عنوان یک فرصت دیده شود. من فکر نمی‌کنم بقیه آن‌قدر موضع‌شان انفعالی باشد و این واقعا زشت است».

حامد بیدی گفت: «کاری که این طرح می‌کند، تبدیل فرصت به تهدید است یعنی فرصتی که می‌تواند حضور بین‌المللی ایرانی‌ها و تأثیرگذاری فرهنگی مردم را تقویت کند، تبدیل می‌شود به یک تهدید که این حضور را کم می‌کند. دوگانه کلاسیک آزادی و امنیت در اینجا کاملا مشخص است که به خاطر فراهم‌آوردن چیزی به اسم امنیت، آزادی‌های کاربر گرفته می‌شود و نگاه حاکم بر این طرح باز همان نگاهی است که دغدغه‌های «منِ حاکمیت بر شمای شهروند» اولویت دارد».

او افزود: «این طرح ناشی از عدم درک درست از آینده تمرکزگریز تکنولوژی است، آینده‌ای که در دنیای امروز می‌بینیم در بحث اقتصاد یا رسانه به کدام سمت می‌رود. حدود ۱۵ سال از پدیده‌هایی مثل «web2» گذشته اما من می‌گویم این طرح درباره«web1» است و می‌خواهد آن را صیانت کند. درحالی‌که الان چه در حوزه اقتصادی-مالی، چه در حوزه‌های رسانه‌ای و چه در حوزه محتوا به دنیای Decentralized (غیرمتمرکز) رسیده‌ایم. شما اسب چموشی را می‌خواهید رام کنید که با این شاخه ریاحین شما رام‌شدنی نیست؛ پس هدف‌گذاری و نقطه مقصد اشتباهی است».

این کارشناس گفت: «حتی اگر فرض کنیم این هدف درست باشد، باز این طرح دوستان را به آن هدف نمی‌رساند چون سراسر تناقض و اشتباه است. ما تعمدا حضور ایرانی‌ها را در دنیا کم‌تأثیر می‌کنیم، کجای دنیا کدام دولت این کار را می‌کند؟ ما می‌بندیم، می‌گوییم شما به‌جای اینکه در اینستاگرام باشید، بیایید در رویکا فعالیت کنید، این‌گونه حضور ما در دنیا کم‌رنگ‌تر می‌شود و تأثیرگذاری مردم و تأثیرگذاری فرهنگی رسانه‌ای کمتر می‌شود. آیا دنبال این هستیم؟ بنابراین جایگزینی پلتفرم‌های داخلی که حامیانش خیلی این ایده را دوست دارند، اساسا اشتباه است».

او با طرح این پرسش که اساسا وی‌پی‌ان قانونی چیست؟ عنوان کرد: «شما چرا فیلتر کنید که بعد وی‌پی‌ان بگذارید؟ مسئله اینستاگرام اگر در امروز کشور بحران است به خاطر این است که فیس‌بوک و تلگرام و بقیه پلتفرم‌ها را بسته‌اید و همه این ظرفیت اجتماعی روی یک پلتفرم آمده است. چه‌بسا اگر همه اینها باز بودند، نامتمرکز می‌شد، یک عده در فیس‌بوک بودند و یک عده دیگر در اینستاگرام، در این صورت شاید یک پلتفرمی مثل رویکا راحت‌تر می‌توانست رقبایش را کنار بزند ولی اکنون مردم همه در یک پلتفرم هستند و ما ماندیم و یک پلتفرم غول عظیم‌الجثه‌ای که شاید با هیچ شیوه‌ای نشود دیگر مردم را از آنجا به جای دیگری برد».

وی‌پی‌ان قانونی توهین به مردم است

او ادامه داد: «اینکه حالا که فیلتر کردیم، به بعضی‌ها وی‌پی‌ان قانونی می‌دهیم و اینترنت طبقاتی را با این وسیله ترویج کنیم و بگوییم شما خونتان رنگی‌تر از آن است و شما فهمیده‌تر از مردم عوام هستید، پس اینترنت بازتری دارید و می‌توانید دسترسی‌های بیشتری داشته باشید، واقعا توهین به مردم است».

حامد بیدی با بیان اینکه نادیده‌گرفتن واقعیت تحریم‌ها نیز در این طرح موج می‌زند، عنوان کرد: «ما ۴۰ سال است تحریم هستیم، شاید ۴۰ سال دیگر هم تحریم باشیم. درباره اینکه از نمایندگان خارجی دعوت کنیم بیایند بحث زیاد شده و احتمالا درنهایت منجر به این می‌شود که نمایندگان وی‌چت و تیک‌تاک از چین یا کمترین مشکل بیایند اینجا و نفوذ این کشور بیشتر و بیشتر از قبل شود، نمی‌دانم شعار نه شرقی نه غربی کجا رفته است».

این کارشناس همچنین درباره بحث حمایت‌ها از پلتفرم‌ها، گفت: «مگر ما تا همین الان از صندوق‌ها چه خیری دیدیم؟ من به‌عنوان کسی که سال‌ها است در اکوسیستم استارت‌آپ فعالیت می‌کنم، می‌گویم بروید از استارت‌آپ‌هایی که کار می‌کنند بپرسید آیا مسئله شما پول است؟ مسئله شما صندوق‌هایی است که از دولت باید حمایت شود؟ خیر، مسئله موانعی است که روزبه‌روز بیشتر می‌شود، طرح صیانت هم یکی از آنهاست. اصلا کسی پول نمی‌خواهد. چرا باید یک طرحی اضافه شود که رانت‌های زیادی را به رانت‌های قبلی اضافه کند، اصلا دولت نباید پول بدهد. دولت هر پولی با هر سازوکار نظارت‌پذیری به یک استارت‌آپ بدهد، آن استارت‌آپ را نابود می‌کند». او افزود: «اساسا این نگاه اشتباه است که یک طرح می‌تواند تمام مشکلات موجود را حل کند. اگر رویکرد نمایندگان مجلس و حاکمیت این است که تسهیلگری کند، بیایند از بچه‌های استارت‌آپی بپرسند بگویند دردتان چیست؟ آیا دردشان این است که رقیب خارجی‌شان فیلتر نیست یا دردشان این است که به علت همین نگاه‌های محدودکننده مثل برگ خزان نیروهایشان می‌ریزند و به خارج از ایران مهاجرت می‌کنند».

بیدی در پایان گفت: «از همان ابتدا که بحث هشتادوپنجی شدن این طرح مطرح شد، رفت و دوباره برگشت در جلسه غیرعلنی رأی آورد که هشتادوپنجی نشود، دوباره در جلسه علنی هشتادوپنجی شد، تمام اینها برای مردم معنادار است، مردم اینها را تفسیر می‌کنند. مسئولان محترم باید حواسشان باشد، عملکردهایشان، حرف‌هایشان شنیده می‌شود. اتفاقی که افتاده هیچ نسبتی با حمایت ندارد؛ بنابراین درنهایت راه‌حل همین کاری است که خوشبختانه مرکز پژوهش‌ها شروع کرده است یعنی دیدن نظرات متفاوت».

طالبی: طرح صیانت، ایرادات ذاتی دارد

حامد طالبی، دبیر انجمن صنفی کسب‌وکارهای اینترنتی و فروشگاه اینترنتی شهر تهران نیز در جلسه مرکز پژوهش‌های مجلس، گفت: «هیچ‌کس درمورد اینکه این فضا باید قانونی شود شک نداشت اما در این طرح ایرادات ذاتی وجود دارد. اولین ایراد این طرح این است که اهداف واقعی آن مشخص نیست، سناریوهای متعددی اینجا مطرح است، آیا می‌خواهند محدودیت‌های شدید بر آزادی بیان و... مردم ایجاد کنند؟ آیا می‌خواهند از کودکان حمایت کنند؟ آیا می‌خواهند از حقوق تولیدکننده محتوا حمایت کنند؟ آیا می‌خواهند وزارت ICT را محدود کنند؟ آیا می‌خواهند کاری کنند که قانونی قابل‌اجرا باشد؟ اهداف این طرح نوشته نشده که کجا هستیم و درنهایت می‌خواهیم به کجا برسیم؟».

او ادامه داد: «من شک ندارم کسانی که این طرح را نوشته‌اند، ان‌شاءالله که نیت خیر داشتند اما فراموش نکنید ما در طول سال‌های اخیر خیلی نیت‌های خیری دیدیم که با اجرای بد، بسیار تبعات وحشتناکی داشتند، بنابراین الزاما نیت خیر و اینکه ما به قانون نیاز داریم، به این معنی نیست که باید این قانون را بپذیریم، این می‌تواند تبعات وحشتناک‌تری برای کسب‌وکارها و مردم ایجاد کند».

این کارشناس افزود: «ما روز ۹ تیر متوجه نسخه‌ای شدیم که به مجلس رفت و ۱۰ تیر اعتراض کردیم و بعد از اعتراضات، ما را به همین جلسه دعوت کردند، آقای علیرضا زاکانی، رئیس وقت مرکز پژوهش‌های مجلس گفتند چه می‌گویید و چرا این‌همه دادوهوار می‌کنید و بعد عکس ما را منتشر کردند و گفتند طرح با نظر کارشناسان تدوین شده است و این دروغ از همان‌جا شروع شد. طرحی که قرار است برای همه مردم باشد، چرا قبل آن نه انجمن و نه اتحادیه در جریان آن نبودند؟ چرا نظام صنفی و نخبگان و کارشناسان در جریان آن نبودند؟».

طالبی گفت: «هروقت ما با طرح مخالفت کردیم، گفتند GDPR، ولی هرگز نگفتند GDPR از ۲۰۱۲ شروع شده و در ۲۰۱۶ نسخه رسمی و اصلی آن منتشر شد و به کارشناسان دو سال فرصت داده شد که نظرات خودشان را بدهند و آن را اصلاح کنند و بعد تصویب شد. ما نیز اعتقاد داریم GDPR بسیار سخت‌گیرانه‌تر از طرح صیانت است ولی آن را با نظر تمام کارشناسان و طی شش سال تدوین کردند اما این را هیچ‌کس نمی‌گوید و فقط می‌گویند اروپا هم GDPR دارد».

او ادامه داد: «آنها هروقت بخواهند از طرح صیانت دفاع کنند، می‌گویند ترکیه اینستاگرام را مجبور کرده در آن کشور دفتر بزند، ولی نمی‌گویند ترکیه تحریم نیست، نمی‌گویند ترکیه ۳۰۰ میلیون دلار در سال هزینه تبلیغات شرکت‌های تجاری در اینستاگرام را می‌دهد، نمی‌گویند ترکیه بین ۲۰ تا ۲۲ میلیارد دلار صادراتش به اروپا را از طریق تبلیغاتی که در اینستاگرام و فیس‌بوک انجام می‌دهد. بله، اینستاگرام به‌خاطر ۳۰۰ میلیون دلار می‌رود و در آنجا دفتر می‌زند، هرکس دیگری هم این کار را می‌کند، آنها اینها را به ما نمی‌گویند و فقط می‌گویند ترکیه این کار را کرده است، شما یک کشور را بیاورید که تحریم باشد و اینستاگرام در آن دفتر زده باشد».

هدف برخی ناامیدکردن کسب‌وکارها و آدم‌هاست

طالبی ادامه داد: «درباره چین می‌گویند آنها توانستند، بله توانست چون چین در ۱۹۹۹ شروع کرد نه اینکه اجازه دهد جامعه با شرایط خودش را وفق دهد و بعد بخواهند آن را محدود کنند. این فشار روانی که به کسب‌وکار و افراد می‌آورد غیرقابل‌تحمل است، اگر شما از اول یک چیزی را ندیده باشید، مشکلی ندارید، ولی وقتی آن را می‌بینید و آن را لمس می‌کنید و بعد آن را از شما بگیرند، حس بغض و کینه ایجاد می‌کنند و این حس بغض و کینه همان ناامیدی می‌شود که الان در جوانان ما خانه کرده است و همه عصبانی هستند».

طالبی با بیان اینکه با این طرح کل کسب‌وکارهای کوچک هدف گرفته شده است، گفت: «معضل منابع انسانی به‌خصوص متخصصین در حوزه IT را داریم که این طرح به‌شدت دارد آن را تقویت می‌کند، ناامیدکردن جوانان خیلی زیاد شده است. من فقط یک جمله بگویم، کانون‌های مهاجرتی دیگر تبلیغ نمی‌کنند، چون آن‌قدر مشتری دارند که دیگر وقت نمی‌کنند به مشتریان فعلی برسند. ما هرچقدر می‌خواهیم امیدوار شویم و بگوییم مملکتمان را می‌کوبیم و می‌سازیم، یک جایی یک چیزی می‌شود که ما را ناامید می‌کند. من نمی‌دانم چه کسانی هدفشان ناامیدکردن کسب‌وکارها و آدم‌هاست».

او در پایان عنوان کرد: «درباره قانون می‌گویند قانون بد بهتر از بی‌قانونی است و این حرف درستی است، اما قانون مبهم از بی‌قانونی بدتر است، چون تفسیر به رأی می‌شود. اتحادیه مخالف است، کسب‌وکارها مخالف هستند، انجمن صنفی مخالف است، انجمن ناشرین مخالف است و همه با این طرح مخالف هستند، مخالف با کلیات و ذات آن هستند، نمی‌شود که همه دشمن باشند، نمی‌شود این‌همه آدم منافق باشند، نمی‌شود این‌همه متخصص نفهم و بی‌سواد باشند، حتما این همه مخالفت یک دلیلی دارد، چرا نمی‌خواهیم این را بپذیریم؟ اصلا موتور اقتصاد را تا اینجا چه کسی آورده است؟ همین کسب‌وکارها و اتحادیه و انجمن و ناشرین و... آورده‌اند بعد همه اینها می‌گویند بد است ولی عده محدودی که کسب‌وکار ندارند، می‌گویند خوب است».

گروهی از طلاب از ۱۵ بازیگر زن شکایت کردند

شکایت به‌خاطر گل‌سر و کلاه لبه‌دار

شرق: روز گذشته خبری منتشر شد مبنی بر اینکه تعدادی از سازمان‌های مردم‌نهاد شهرستان قم، از جمله مجمع فعالان امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر استان قم، مؤسسه تبلیغی امیربیان قم، تشکل فراگیر تبلیغ گروهی طلاب قم، مجمع روحانیون ولایی و انقلابی استان قم، گروه فرهنگی تبلیغی خاتم قم، بنیاد علمی فرهنگی امت برتر قم، مؤسسه فرهنگی ولاء منتظر قم و مؤسسه منتخب ملی حجاب و عفاف رویش جوانه‌ها در گزارشی خطاب به ریاست دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان قم با نام‌بردن از ۱۵ بازیگر زن خواستار برخورد قضائی شده‌اند. آنها اعلام کرده‌اند: «با جست‌وجوی کوچک در صفحات رسمی بسیاری از بازیگران زن سینما و تلویزیون به‌وفور به تصاویری برخورد می‌کنیم که شامل مواردی از قبیل توهین به مقدسات دینی و امر ضروری حجاب، معلوم‌بودن مقداری از سینه و گردن و گوش‌ها، استفاده از کلاه لبه دار و گل سر و لباس چسبان و پوشیدن شلوارک و شلوارهای پاره و... بوده». آنها گفته‌اند که این بازیگران با این تصویرها و لباس‌پوشیدن‌ها در مجامع و معابر عمومی ضرر معنوی وارد کرده‌اند و باید ضررهای معنوی را جبران کنند که ضررهای معنوی که مورد درخواست شاکیان عبارت است از: «ازبین‌رفتن عفت عمومی، نقش‌بستن تصاویر جنسی در اذهان، تأثیر بر رفتار جنسی، انزوا و کاهش روابط اجتماعی، تحلیل‌رفتن توان عقل، سقوط شخصیت زن و مرد و تبدیل‌شدن به وسیله برای اشباع هوس‌های سرکش، ترویج پرخاشگری، ایجاد روحیه مقایسه، ترغیب به دیدن تصاویر و فیلم‌های مبتذل، سستی ایمان، محروم‌شدن از شیرینی و ذات انس با خدا، مردن دل‌ها و افسردگی، تأثیرات منفی در روابط زن و شوهر». البته معاون دادستان قم هم به تاریخ ۱۴۰۰/۰۹/۲۳ با استناد به اینکه موارد اتهامی در حوزه قضائی تهران رخ داده است، قرار عدم صلاحیت صادر کرده و رسیدگی به این پرونده را در صلاحیت دادسرای عمومی و انقلاب تهران دانسته است.البته شکایت طلاب تازگی ندارد و در گذشته هم شاهد آن بوده‌ایم؛ برای مثال سال گذشته بود که شماری از طلاب و مدرسان حوزه خواستار بازداشت جهرمی، وزیر وقت ارتباط و فیروزآبادی، دبیر وقت شورای عالی فضای مجازی به اتهام «ولنگاری فضای مجازی» شدند و گفته شد که ۴۰۰ نفر استادان و طلاب حوزه از ۶۵ شهر کشور زیر نامه درخواست بازداشت را امضا کرده بودند و در نامه‌شان آمده بود: عملکرد دشمن‌پسند متولیان فضای مجازی نسبت به عدم راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات، از موضوعاتی است که مورد انتقاد رهبر انقلاب قرار گرفته است: «در مسئله فضای مجازی، آنچه از همه مهم‌تراست، مسئله شبکه ملی اطلاعات است. متاسفانه در این زمینه کوتاهی شده، کاری که باید انجام بگیرد، انجام نگرفته؛ این[طور] نمی‌شود».

البته فراتر از شکایت گاهی دیده شده است که طلاب اقداماتی خودجوش هم انجام داده‌اند؛ مثلا در ماجرای مذاکرات هسته‌ای در دولت روحانی جمعی از طلاب با به‌دست‌گرفتن پلاکاردی با این شعار که «ای آنکه مذاکره شعارت، استخر فرح در انتظارت» حاشیه‌های بسیاری را درست کردند و برخی این شعار را یک تهدید آشکار و تند علیه حسن روحانی قلمداد کردند.

روزنه

غرضی: دستور اعدام ندادم

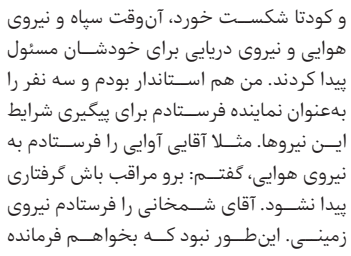

شرق: سیدمحمد غرضی به اتهامات ناخدا صمدی مبنی بر اینکه او دستور اعدام ۱۹ افسر ارتش را در ابتدای انقلاب صادر کرده است، واکنش نشان داد. به گزارش خبرآنلاین به نقل از ۵۵ آنلاین او گفته است: اگر بنده حکمی را امضا کرده‌ام، اعمال کرده‌ام، نوشته‌ام، یا به کسی دستوری داده‌ام، ایشان دستشان باز است که سند و مدرکی از آن حکم ارائه کنند. در آن صورت من می‌پذیرم و می‌گویم حق با ایشان است. فرمایش ایشان مثل این است که بگویید فلان قصاب لباس را درست ندوخته است! قصاب چه ربطی به خیاطی دارد؟ این اتهام ایشان هم شبیه به همین است. من استاندار بوده‌ام، بالاترین مقام هم نبودم، مثل باقی استاندارها اختیارات محدود و در حیطه وظایف خودم را داشتم. غرضی افزود: من تغییر فرماندهی ندادم، فرماندهی خودش فرار کرد. وقتی سرپرستی لشکر ۹۲ را از دست دادند و کودتا شکست خورد، آن‌وقت سپاه و نیروی هوایی و نیروی دریایی برای خودشان مسئول پیدا کردند. من هم استاندار بودم و سه نفر را به‌عنوان نماینده فرستادم برای پیگیری شرایط این نیروها. مثلا آقایی آوایی را فرستادم به نیروی هوایی، گفتم: برو مراقب باش گرفتاری پیدا نشود. آقای شمخانی را فرستادم نیروی زمینی. این‌طور نبود که بخواهم فرمانده انتخاب کنم. اصلا انتخاب فرمانده در اختیار من نبود. آنها به‌عنوان نماینده استاندار رفته بودند.

غرضی درباره ادعای ناخدا صمدی مبنی بر اینکه او پس از اعدام افسران ارتش، چندین ماه زندانی بوده هم گفت: ایشان اشتباه می‌کنند. زندانی‌شدن بنده مربوط به زمان دیگری است. این جریان مربوط به خرداد ۵۸ است که من فرمانده سپاه بودم. یک روز من در سپاه پاسداران نشسته بودم. پسر آقای طالقانی را آوردند به اتهام قتل. من ایشان را تحویل گرفتم و نگه داشتم. بعد پسرهای دیگر آقای طالقانی آمدند، گفتند مجتبی اینجاست؟ گفتم بله. گفتند باید بروید پیش آقای طالقانی. گفتم چشم. من و دو پسر دیگر آقای طالقانی، رفتیم خدمت آقای طالقانی. این جریان در شهر پیچید که پسر آقای طالقانی دستگیر شده. بعد از آنکه رفتم خدمت آقای طالقانی، ایشان تا صبح به افراد مختلف زنگ می‌زدند و درنهایت به دادستان کل کشور دستور دادند که بنده را زندانی کند. کسی هم نبود که من را ببرد آنجا. درنهایت دژبان رحیمی، فرمانده دژبان، من را به زندان دژبان برد. صبح که شد دیدم آقای اشراقی آمده دم زندان دژبان. گفتم چی شد؟ گفت وقتی این مسئله به سمع حضرت امام رسید، ایشان پرسیدند غرضی کیست؟ آیت‌الله جنتی و شهید عراقی که آنجا حضور داشتند، گفته بودند غرضی همان حیدری خودمان است. چون من پنج‌سالی که خدمت حضرت امام بودم، ایشان من را به‌عنوان حیدری می‌شناختند. بعد از آن امام به آقای اشراقی گفته بودند بروید و غرضی را آزاد کنید و به او بگویید اگر امروز دور از جان احمد من را هم بکشند من چیزی نمی‌گویم، شما هم چیزی نگو. من هم آزاد شدم و رفتم خدمت حضرت امام و کارم را در سپاه پاسداران ادامه دادم. من اصلا در زندان جمهوری اسلامی نبودم. بنده به دستور مرحوم آیت‌الله طالقانی در دژبان‌گاه حبس شدم و بعد هم به دستور حضرت امام و توسط آقای اشراقی آزاد شدم. این حبس فقط از اذان صبح تا هشت صبح طول کشید. پنج صبح امام مطلع می‌شوند. ساعت هفت آقای جنتی و شهید عراقی نزد حضرت امام بودند که به امام می‌گویند غرضی همان حیدری خودمان است و ساعت هشت هم که آقای اشراقی به سراغم آمدند. این زندانی‌شدن قبل از کودتای نوژه اتفاق افتاد و اصلا ربطی به آن زمان ندارد. من بیش از چند ساعت در بازداشت نبودم. ادعاهای ناخدا صمدی از نظر من کذب است و ایشان نمی‌تواند و نباید بدون سند و مدرک چنین اتهام بزرگی را به کسی وارد کند. این کار نه شرعی است، نه اخلاقی و نه قانونی. ایشان می‌خواهد از این طریق مدعی‌العموم شود. مدعیان چنین اتهاماتی باید بدانند که من فقط استاندار خوزستان نبوده‌ام، ۱۸ سال هم عضو دولت بوده‌ام و سِمت‌های مختلفی داشته‌ام. اگر این حرف‌ها صحت داشت، حتما در دولت و مجلس مطرح می‌شد و باید بابت آن محاکمه می‌شدم. قاعده جامعه بسیار بسیار مطلع و وسیع است و همه‌چیز واضح و عیان است. اگر کسی مدرکی راجع به این اتهامات داشته باشد، من پاسخ‌گو هستم. شما که مدعی هستید استاندار این اعمال را انجام داده، لطفا سند و مدرکی برای اثبات اتهام‌هایتان ارائه کنید.